

حکیم ابوالقاسم فردوسی

داستان زال

بازآفرین شهلا انسانی

داستان زال

انتشارات معبر

سرشناسه	:	انسانی، شهلا، اقتباس کنند.
عنوان قراردادی	:	شاهنامه، برگزیده
عنوان و نام پدیدآور	:	داستان زال / بازآفرین شهلا انسانی.
مشخصات نشر	:	تهران: سمیر، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	:	۷۶ ص؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
فروست	:	داستانهای شاهنامه؛ ۱۰
شابک	:	۹۷۸-۹۶۴-۲۲۰-۲۲۴-۹
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبا
موضوع	:	فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹-۴۱۶ ق. شاهنامه - اقتباس‌ها.
موضوع	:	داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	:	داستان‌های حماسی.
شناسه اثر	:	فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹-۴۱۶ ق. شاهنامه - برگزیده.
رده‌بندی کنگره	:	PIR ۷۹۶۲/ ۲ د ۲ ۱۳۹۲
رده‌بندی دیویی	:	۸ ۳/۶ فا
شماره کتابشناسی ملی	:	۱۰۵۲۷

ناشر: سمیر

عنوان: داستان زال

بازآفرین: شهلا انسانی

چاپ اول: ۱۳۹۴

تعداد: ۱۰۰

چاپ: دیجیتال

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۲۰-۲۲۴-۹

آدرس: خیابان اردی بهشت شمالی - کوچه وحید - شماره ۱

تلفن: ۶۶۹۶۰۶۰۳۶۶۴۱۲۷۲۶

۶۵۰۰ تومان

مقدمه باز آفرین

آن روزهای نوجوانی که مرا با شاهنامه انسی بود و شبی و حتی گاه روزی بی خواندن داستانی از حکیم توس روز را به شب و شب را به صبح نمی‌رسانم، پدرم به طعنه می‌گفت: "آخر دختر، تو را با شاهنامه چه کار. شاهنامه عرصه چکاچک شمشیرها، کوبش گرزها، زوزه پیکان‌ها و ناله و فریاد رنج‌میان است، دختران را شایسته‌تر که رمان بخوانند، رمان‌هایی لطیف که دل را آرام و روح را تلطیف کند." و پدرم به لبخند می‌گفت: "خشم، چرا تعرض مطالعه دخترمان می‌شوی که شاهنامه یکی از عزیزترین کتاب‌های ایران و ایرانیان است، شاهنامه شناسنامه ایرانی است، سند است بر حقانیت ملتی که در طول هزاران سال تلاش، پایمردی، ایستادگی، شکیبایی، رزمیدن و جنگیدن برای بقا، هستی خویش را حفظ کرد، فرهنگ خود را جلا بخشیده و از آیین‌هایش که بی‌گمان زیباترین آیین‌های بشری است، پاسداری کرده است."

و من می‌دانستم که حق با پدر است، می‌دانستم اگر این کتاب هویت‌بخش، این شاهنامه معلی نبود، ما نیز همانند مردمان فنیقیه و قبطی‌های مصری و آشوریان سوری، عرب پنداشته می‌شدیم و به جای این زبان لطیف و زیبا و شیرین پارسی که وقتی به فصاحت بیان

شود، به زمزمه جویبارها می‌ماند و به ترم باران؛ زبانی که آواهایش، آوای نسیم بهاری است که دست نوازش به رخسار گل‌ها و شکوفه‌ها می‌کشد، نه زبان حلقی که هر واژه از اعماق گلو برمی‌خیزد و طنینی نازیبا دارد.

اما می‌دانستم که شاهنامه تنها یک سند از دیرینه سال‌های مان نیست که رهنمودی برای امروزیان و فرداییان است. شاهنامه منبع و نشأ خرد است، از خرد می‌گوید و با خرد آغاز می‌شود و نام خداوند باری را با خرد پیوند می‌دهد:

به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد

شاهنامه همه از رزم سخن نمی‌گوید که از عشق نیز سخنی دارد، آن هم به زیباترین و لطیف‌ترین شکل آن. آن‌گاه که حکیم توس قصه عشق بیژن و منیژه را می‌گوید، آن چنان توصیفی دارد از عشق و عواطف لطیف آن و عالم عاشقانه که درمی‌یابیم شاعری نقاش و طبیعت‌گرا چون منوچهری را توان این‌چنین در برابر او حتی در این عرصه نیز نیست. نگاه کنید:

شبی تیره و روی شسته به قبر نه بهرام پیدا، کیوان، نه تیر

و نیز می‌دانستم شاهنامه مکتب انسانیت است، درس مردمی می‌دهد، درس اخلاق، شرافت انسانی، درس جداسازی نیک از بد. شاهنامه الگوساز است، الگوی مردی و مردانگی را به مردان و پاکی و پاکدامنی را به زنان می‌آموزد. در شاهنامه زنان ایرانی مظهر پاکدامنی‌اند، همه نیکوسیرتند، همه دل سپرده به همسران‌شان و مردان‌شان، نمادی از میهن دوستی‌اند و عاشق فرهنگ و بقای سرزمین‌شان؛ آرش‌گونه جان در کف دست نهاده‌اند تا مام وطن را پاسدار باشند.

و می دانستم و می دانم شاهنامه کتاب دیروز نیست که کتاب امروز و فردای مان نیز هست، می آموزد مان چه گونه پدران و نیاکان ما به مردی زیستند، با غرور و با افتخار و چه گونه به مردمی با همسایگان خود رفتار کردند، به مهر و با همدلی.

شاهنامه قصه همدلی ها، همراهی ها و مبارزه با نامردمی ها و دیوان است، دیو سپید و دیو اکوان قصه نیست، افسانه نیست، واقعیت است، امروز در همین روزگاران دیوان مردمی خوار در کمین نشستند تا از خود غافل شویم، فرو بلعیده شده ایم و شاهنامه می آموزد ان چگونه با این دیوان و ددان مقابله کنیم و در یک جمله بگویمت «شاهنامه، کتاب هنر زیستن است، راهنمای نیکو زیستن» و با این اندیشه بود که پس از سال ها انس با شاهنامه بر آن شدم تا آن را به نثر درآورم، چه می دانم که خواندن شاهنامه منظوم دشوار است تا جوانان ما طریق مردمی زیستن را که ب زندگی ایرانیان بازخوانی کنند.

ایدون باد

شهلا انسانی